

بررسی وضعیت مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار شهر شیراز

دکتر حسن کیانی خوزستانی^۱

دکتر سعید رضائی شریف آبادی^۲

شهلا سام^۳

چکیده

پژوهش حاضر، با استفاده از پرسشنامه، به مقایسه وضعیت مطالعه منابع اطلاعاتی ۳۶۳ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار در شهر شیراز پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عواملی مانند میزان مطالعه والدین، میزان مطالعه دوران کودکی و نوجوانی، سن، وضعیت تأهل، تمایل همسران زنان متأهل به مطالعه، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دسترسی به رایانه و مهارت بهره‌گیری از آن، از جمله عوامل مؤثر در مطالعه است. در پایان، با تکیه بر یافته‌های گزارش شده، رهنمودها و توصیه‌هایی به منظور افزایش میزان مطالعه زنان ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: خواندن، زنان خانه‌دار، زنان شاغل، شیراز، کتابخوانی، مطالعه.

مقدمه

وقتی سخن از مطالعه به میان می‌آید، تصویری از کتاب، مجله، روزنامه یا دیگر مواد چاپی در ذهن نقش می‌بندد، حتی گاهی واژه مطالعه، مترادف با واژه کتابخوانی تلقی گردد.

۱. استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا (س). hkiani2000@yahoo.com

۲. دانشیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا (س). srezaei@alzahra.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. shahla_sam@yahoo.com

در لغتنامه دهخدا، در تعریف واژه مطالعه چنین آمده است: «نگریستن به هر چیز برای واقف شدن به آن و تأمل و تفکر و اندیشه؛ نظر به دقت. فرهنگستان ایران به جای این کلمه، «بررسی» را پذیرفته است» (دهخدا، ۲۱۰۵۱، ۱۳۷۷).

«حری» (۱۳۸۵)، عقیده دارد: «هرگاه غرض از کتاب، ماده و ساختار ویژه‌ای است که از طریق آن، افکار و اندیشه‌ها از مبدأیی به مقصدی انتقال می‌یابد، باید گفت که ماده و ساختار، تابع بسیاری شرایط اجتماعی، اقتصادی و فنی دوره‌های تاریخی است؛ و با تغییر این شرایط، مواد و ساختارها نیز تحول می‌یابد و انواع جدیدتر - که ناشی از نوآوری هر دوره است - جایگزین انواع کهن می‌شود.» (حری، ۱۳۸۵، ۱۶۷)

با وجود آن که ایران کشوری فرهنگی محسوب می‌گردد، همواره در گزارشهای آماری به میزان پایین مطالعه در میان مردم و فقر مطالعاتی اشاره شده است که یکی از علل اصلی آن، بی‌توجهی به آموزش صحیح مطالعه و ایجاد انگیزه مطالعاتی است (رحمانی، ۱۳۸۴).

نوشته‌های فراوانی می‌توان یافت که به اهمیت مطالعه، وضعیت خوب مطالعه در جوامع دیگر و وضعیت بد مطالعه در جامعه ما پرداخته‌اند؛ اما انگیزه و هدف مطالعه به‌طور دقیق و جدی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (حری، ۱۳۸۵).

در بررسی‌های مربوط به عادت مطالعه، شناخت موانع و عوامل مؤثر، اهمیت ویژه‌ای دارد.

ضرورت و اهمیت بررسی وضعیت مطالعه در زنان

پژوهشهای اندکی عادت مطالعه و عوامل مؤثر بر آن را در جامعه ایرانی بررسی کرده‌اند. عمده توجه این پژوهشها، گروه‌های مختلف سنی کودکان و نوجوانان، و منظور از مطالعه نیز خواندن کتاب، مجله و روزنامه بوده و در پایان، راه‌حلهایی برای بهبود وضعیت مطالعه این نوع منابع اطلاعاتی، در گروه‌های سنی مذکور پیشنهاد شده است.

بررسی وضعیت مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار شهر شیراز / ۱۳۵

عادت به مطالعه، مانند سایر عاداتهای زندگی روزمره، امری اکتسابی است که می‌تواند به بهترین نحو در خانواده، از والدین به فرزندان انتقال یابد.

در همین راستا، زنان- که مسئولیت پرورش نسل آینده را در روند توسعه فرهنگی و اجتماعی بر عهده دارند- نیازمند نوسازی آگاهی‌ها و افزایش دانسته‌های خود از طریق مطالعه می‌باشند. مطالعه با هر قصدی که انجام شود، لذت یا سرگرمی، یادگیری و یا تصمیم‌گیری بهتر، تغییراتی در فکر و اندیشه ایجاد می‌کند که اگر توسعه یابد، رشد فکری و روشنی اندیشه را به دنبال دارد.

این مقاله، بر آن است تا:

۱. وضعیت مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار را مشخص کند.
۲. معلوم دارد که زنان شاغل و خانه‌دار چه موضوعهایی را برای مطالعه ترجیح می‌دهند.
۳. تفاوت عاداتهای مطالعه (از نظر هدف، زمان و مکان مطالعه، انتخاب انواع منابع اطلاعاتی و میزان اشتیاق در تداوم مطالعه) زنان شاغل و خانه‌دار را مشخص نماید.
۴. عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار را معین سازد.

جامعه آماری و حجم نمونه

از آنجا که به طور معمول افراد تا حدود ۲۵ سالگی به مطالعه درسی می‌پردازند، به منظور پرهیز از تداخل مفهوم مطالعه درسی و غیردرسی در میان پاسخگویان، جامعه آماری در این بررسی، از این سن به بالا انتخاب شد و نیز به دلیل کاهش تواناییهای جسمی و روحی افراد از حدود ۴۵ سالگی به بالا و محدود کردن جامعه آماری، زنان تا این محدوده سنی به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. لذا با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران- که آمار سنین افراد را در دسته‌بندی ده ساله اعلام می‌کند- جامعه آماری را زنان ۲۴ تا ۴۴ ساله شهر شیراز تشکیل می‌دهند که بر اساس اطلاعات مرکز آمار

ایران و طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، بیش از ۲۱۲۴۸۱ نفر برآورد می‌گردد (مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۸۵).

برای محاسبه حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده که به شرح زیر است:

$$n = \frac{t^2 pqN}{d^2 (N-1) + t^2 pq}$$

که در آن:

n: حجم نمونه

t: عدد ثابت ۱/۹۶

p و q: وجود یا عدم وجود حقیقی که حاصل ضرب آنها انحراف معیار و حاصل

جمع آن یک می‌باشد.

d: سطح معناداری که برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

N: تعداد کل جامعه که برابر ۲۱۲۴۸۱ می‌باشد.

با توجه به ارقام فوق، حجم نمونه برابر خواهد بود با:

$$n = \frac{(1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5 \times 212481}{0.0025(212480) + (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 383$$

با توجه به احتمال وجود پاسخهای مخدوش و بی‌جواب، ۴۰۰ نفر مورد سؤال قرار

گرفتند که پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۳۹۱ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد و از

این تعداد، ۳۶۳ نفر پاسخگو بودند. جدول ۱، توزیع فراوانی پاسخگویان را به تفکیک نشان

می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن، به تفکیک زنان شاغل و خانه‌دار

جمع		خانه‌دار		شاغل		گروه سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۹/۶	۱۴۲	۳۸/۳	۸۸	۴۱/۹	۵۴	۲۹-۴۴ سال
۲۱/۴	۷۷	۲۰/۴	۴۷	۲۳/۲	۳۰	۳۴-۴۰ سال
۱۶/۴	۵۹	۱۳/۹	۳۲	۲۰/۹	۲۷	۳۹-۴۵ سال
۲۲/۶	۸۱	۲۷/۴	۶۳	۱۴	۱۸	۴۴-۴۰ سال
-	۴	-	۳	-	۱	بی‌جواب
۱۰۰	۳۶۳	۱۰۰	۲۳۳	۱۰۰	۱۳۰	جمع

وضعیت مطالعه منابع اطلاعاتی

در این بررسی، میزان مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار، با سایر شیوه‌های گذران اوقات فراغت مقایسه شده است. بدین منظور، سعی شده برآوردی از میزان مطالعه آنان ارائه گردد که شامل مطالعه کتاب، مجله، روزنامه، مطالب در محیط اینترنت، لوح فشرده و شبکه پیام‌نمای تلویزیون است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد میزان مطالعه در مقایسه با میزان سایر شیوه‌های گذران اوقات فراغت در میان جامعه مورد بررسی، کمتر است که این نتیجه، هم در مورد زنان شاغل و هم در مورد زنان خانه‌دار صادق می‌باشد.

با توجه به اینکه میزان گذراندن اوقات فراغت پاسخگویان از طریق مطالعه توسط ۶ گویه (مطالعه کتاب، مجله، روزنامه، مطالب در محیط اینترنت، مطالب در لوح فشرده، شبکه پیام‌نمای تلویزیون) سنجیده شده است و هر گویه نمرات صفر (هیچ وقت)، ۱ (به ندرت)، ۲ (گاهی) و ۳ (اغلب) را به خود اختصاص می‌دهد، نمره پاسخگویان می‌تواند از حداقل صفر (کسانی که هرگز مطالعه نمی‌کنند) تا حداکثر ۱۸ (کسانی که از تمامی روشها در اغلب اوقات استفاده می‌کنند) در نوسان باشد.

جدول ۲، توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب نمره آنها از طیف میزان مطالعه، نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره آنها از طیف میزان مطالعه در دو گروه مورد بررسی

گروه نمره	شاغل		خانه‌دار		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
صفر	۵	۳/۹	۲۸	۱۲/۳	۳۳	۹/۲
۱	۹	۷/۱	۲۳	۱۰/۱	۳۲	۹/۱
۲	۴۲	۳۲/۸	۱۰۲	۴۴/۷	۱۴۴	۴۰/۴
۳	۵۸	۴۵/۳	۵۸	۲۵/۴	۱۱۶	۳۲/۶
۴	۱۴	۱۰/۹	۱۷	۷/۵	۳۱	۸/۷
بی جواب	۲	-	۵	-	۷	-
جمع	۱۳۰	۱۰۰	۲۳۳	۱۰۰	۳۶۳	۱۰۰
میانگین	۸/۵		۶/۹		۷/۴۸	

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۹/۲٪ پاسخگویان اصلاً مطالعه نمی‌کنند و ۹۰/۸٪ آنان، بخشی از اوقات فراغت خود را صرف مطالعه می‌کنند که میانگین نمره آنان از طیف میزان مطالعه ۷/۴۸ است که از حد متوسط نمره طیف یعنی ۹ کمتر می‌باشد و این، نشان‌دهنده میزان نسبتاً کم مطالعه پاسخگویان است. «حسینی و همکاران» (۱۳۸۴)، در نتایج پژوهش خود بیان کردند که مطالعه، ورزش و فعالیتهای اجتماعی، در گذران اوقات فراغت زنان خانه‌دار جامعه مورد پژوهش آنها کمترین نقش را دارد و آنان، عمده اوقات فراغت خود را با صحبت کردن با زنان دیگر در کوچه و خیابان و تماشای تلویزیون می‌گذرانند. در پژوهش حاضر نیز این نتیجه حاصل شد که تماشای تلویزیون، فعالیتهای ورزشی و فرهنگی نظیر گوش دادن به موسیقی، برطرف‌دارترین شیوه‌های گذران اوقات فراغت محسوب می‌گردد. همچنین، این یافته‌ها، نتایج پژوهش «بحرانی» (۱۳۷۹) را - که در میان شهروندان بالغ و باسواد غیرشاغل به تحصیل در شهر شیراز انجام شد و نشان‌دهنده سطح بسیار پایین میزان مطالعه آزاد در جامعه بود- تأیید می‌کند.

میزان مطالعه زنان شاغل از زنان خانه‌دار بیشتر است، به طوری که میانگین نمره زنان شاغل از طیف میزان مطالعه ۸/۵ و این میانگین برای زنان خانه‌دار ۶/۹ است. این تفاوت می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد، از جمله آن که زنان شاغل با وجود فرصت کمتر نسبت به زنان خانه‌دار، در زندگی روزمره خود معمولاً برنامه‌ریزی منظم‌تری دارند و همچنین، این دسته از زنان برای پیشبرد هدفهای شغلی خود، احساس نیاز بیشتری به کسب اطلاعات دارند. بنابراین، جامعه مورد بررسی به آگاهی از اهمیت مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق برای پرداختن به مطالعه نیاز دارند.

«کرمی» (۱۳۷۹) در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند کسانی که بیشتر مطالعه می‌کنند، در زندگی اجتماعی و کار گروهی فعالیت بیشتری دارند. این نکته نیز در پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

موضوعهای مورد علاقه

بررسی موضوعهای مورد علاقه زنان شاغل و خانه‌دار، نشان می‌دهد موضوعهای پزشکی با میانگین ۳/۸۱، روانشناسی با میانگین ۳/۷۹، رمان با میانگین ۳/۶۲ و مذهبی با میانگین ۳/۳۷ بیشتر از سایر موضوعها مورد علاقه آنان است. این در حالی است که موضوعهای سیاسی با میانگین ۲/۰۸، فنی-مهندسی با میانگین ۲/۸۹، و تاریخی با میانگین ۲/۹، کمتر از موضوعهای دیگر مورد توجه آنها قرار دارد.

پیش از این، در پژوهشهای گذشته به داستانهای خیالی، سرگذشتها و ماجراها، طنز و شعر و ادبیات به عنوان بیشترین مطالب مورد علاقه زنان و دختران برای مطالعه اشاره شده بود (کیسر^۱، ۱۹۹۸، چن^۲، ۲۰۰۷).

عاداتهای مطالعه

در این بررسی، به طور ضمنی هدف از مطالعه سنجیده شده است، زیرا در ایجاد انگیزه مؤثر است. چنانچه سه هدف عمده از مطالعه و خواندن، یعنی:

۱ خواندن به قصد لذت بردن

۲ خواندن به قصد یاد گرفتن

۳ خواندن به قصد بهتر تصمیم گرفتن و بهتر عمل کردن.

را مد نظر داشته باشیم، نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۶۴٪ پاسخگویان که مطالب را برای مطالعه به طور اتفاقی انتخاب می‌کنند و هرچه جالب به نظرشان برسد می‌خوانند، به قصد لذت بردن مطالعه می‌کنند.

۱۴/۲٪ آنان- که طبق برنامه منظم به مطالعه می‌پردازند- با هدف بهتر تصمیم گرفتن و بهتر عمل کردن مطالعه می‌کنند و ۲۱/۸٪ پاسخگویان که به منظور پاسخ به سؤالی که در ذهن دارند، به خواندن و مطالعه می‌پردازند، هدفشان خواندن به قصد

یادگیری است. این، در حالی است که زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار از برنامه مطالعاتی پیروی می‌کنند و این نیز، نشان می‌دهد زنان خانه‌دار بیشتر به برنامه‌ریزی برای مطالعه نیاز دارند و یکی از راه‌های آن، در این باره می‌تواند تشکیل کارگاه‌های آموزش در کانونهای فرهنگی و مساجد باشد.

این نکته را نیز باید افزود که هنوز منابع چاپی بیش از منابع غیرچاپی مورد توجه واقع است؛ به طوری که ۵۳/۱٪ افراد مورد بررسی فقط از منابع چاپی استفاده می‌کنند و ۳/۶٪ آنان، فقط از منابع غیرچاپی بهره می‌گیرند و بقیه، هم از منابع چاپی و هم از منابع غیرچاپی سود می‌جویند. این نتایج حاکی از آن است که زنان خانه‌دار بیش از زنان شاغل منابع چاپی را به کار می‌برند. لذا آموزش استفاده از منابع غیرچاپی، برای هر دو گروه ضروری به نظر می‌رسد که در برنامه‌ریزیهای ترغیب مطالعه و خواندن، باید به آن توجه کرد.

نتایج این بررسی نشان داد بیشتر زنان، برنامه زمانی مشخصی برای مطالعه ندارند؛ به طوری که ۵۲/۹٪ هر وقت حوصله داشته باشند، مطالعه می‌کنند و تنها ۱۷/۸٪ طبق برنامه زمانی از قبل تنظیم شده، به مطالعه می‌پردازند و ۲۹/۲٪ نیز ترجیح می‌دهند قبل از خواب مطالعه کنند. نکته درخور توجه این است که نبود برنامه‌ریزی در زمان مطالعه زنان خانه‌دار بیشتر مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که ۶۰/۷٪ آنها هر وقت حوصله داشته باشند، مطالعه می‌کنند و این درصد، برای زنان شاغل ۳۹٪ است.

هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، بهترین مکان را برای مطالعه، مکانی خلوت و اتاق جداگانه می‌دانند؛ به طوری که ۶۷/۳٪ آنان ترجیح می‌دهند در مکان مجزا و خلوت مطالعه کنند. در حالی که ۱۲/۳٪ در بستر خواب و بقیه در جمع و در حضور دیگران به مطالعه می‌پردازند. لذا با توجه به این یافته‌ها، باید در برنامه‌ریزیهای ترغیب‌کننده زنان به خواندن و مطالعه، به تعیین برنامه زمانی منظم برای مطالعه و پیش‌بینی مکان مناسب آن توجه کرد. در پژوهشهای پیشین از جمله در پژوهش «بحرانی» (۱۳۷۹) نیز این نکات گزارش شده است.

در بررسی میزان اشتیاق برای اتمام یک مطلب، خوشبختانه نتایج حاکی از آن است که بیشتر زنان برای به اتمام رساندن مطلب مورد مطالعه خود اشتیاق خوبی دارند؛ به طوری ۵۱/۴٪ می‌کوشند به سرعت مطلب را به اتمام برسانند و ۱۱/۲٪ در هنگام مطالعه زود خسته و خواب‌آلوده می‌شوند و بقیه نیز، سرعت چندانی در مطالعه ندارند. در این خصوص، تشکیل گروه‌های مطالعه، ارائه نایتمام مطالب و معرفی منابع به منظور پایان بخشیدن به مطالب، راهکاری مناسب برای تقویت انگیزه مطالعه در آنان به نظر می‌رسد.

عوامل مؤثر بر میزان مطالعه

۱. **میزان مطالعه والدین:** در بررسی عوامل مشوق و بازدارنده درونی مؤثر بر میزان مطالعه، مشخص شد زنانی که پدران و مادرانشان به مطالعه عادت دارند، خود نیز به خواندن و مطالعه علاقه‌مندترند؛ به طوری که میانگین میزان مطالعه زنانی که والدینشان اهل مطالعه بوده‌اند، ۸/۴ می‌باشد. در حالی که این میزان برای زنانی که والدینشان عادت به مطالعه ندارند، ۶/۳۸ است. در پژوهشهای گذشته، بر این نکته بسیار تأکید شده است. مقایسه دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، نشان می‌دهد والدین زنانی که شاغل بوده‌اند، بیش از والدین زنان خانه‌دار مطالعه می‌کرده‌اند؛ به طوری که ۶۸/۵٪ از پدران و مادران زنان شاغل و ۵۰/۲٪ از والدین زنان خانه‌دار اهل مطالعه بوده‌اند و این، حاکی از آن است که زنانی که والدین آنها اهل مطالعه‌اند، بیشتر در اجتماع فعالیت دارند و این نکته نیز، مؤید پژوهشهای قبل است مبنی بر اینکه کسانی که بیشتر مطالعه می‌کنند، در زندگی اجتماعی و کار گروهی، فعالیت بیشتری دارند.

۲. **میزان مطالعه در دوران کودکی و نوجوانی:** «امانی» (۱۳۷۹) در نتایج

پژوهش خود به این نکته اشاره دارد که بین مطالعه در دوران کودکی و نوجوانی و تداوم مطالعه در دوران بزرگسالی رابطه معنادار وجود دارد. این پژوهش نیز نشان داد میزان کتابخوانی افراد در دوران کودکی، میزان مطالعه آنان را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طوری که میانگین مطالعه زنانی که در دوران کودکی مطالعه می‌کرده‌اند، ۷/۹۷

است. در حالی که این میانگین برای زنانی که در دوران کودکی مطالعه نمی‌کرده‌اند، ۵/۳۴ است و این، نشان‌دهنده نقش پدران و مادران در ایجاد عادت مطالعه در فرزندان است که تقریباً در تمامی متون مربوط به مطالعه و خواندن، بر این نقش تأکید فراوان شده است.

۳. سن افراد: از دیگر عوامل درونی که میزان مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سن افراد مورد بررسی است که با افزایش سن، تمایل به مطالعه کاهش می‌یابد.

۴. میزان تحصیلات: افزایش تحصیلات نیز می‌تواند تأثیر مثبتی بر میزان مطالعه داشته باشد؛ به طوری که میانگین میزان مطالعه زنانی که دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند، ۱۰/۱۱ است. در حالی که این میانگین برای افراد دیپلم ۶/۱ می‌باشد.

۵. وضعیت تأهل: وضعیت تأهل نیز بر میزان مطالعه زنان تأثیرگذار است؛ بدین ترتیب که میانگین میزان مطالعه افراد مجرد ۸/۵ است؛ در حالی که این میانگین برای افراد متأهل ۷ است.

۶. تمایل همسران زنان متأهل به مطالعه: از دیگر عواملی است که در میزان مطالعه آنان نقش اساسی دارد. به طوری که زنانی که همسرانشان اهل مطالعه هستند، بیش از زنانی که همسران آنان به این کار تمایل ندارند، به مطالعه و خواندن می‌پردازند. میانگین نمره زنانی که همسرانشان اهل مطالعه می‌باشند، از طیف میزان مطالعه ۷/۶۵ است. در صورتی که این میانگین برای آنان که همسرانشان اهل مطالعه نیستند، ۶/۵۹ است. گفتنی است، دلیل اصلی مخالفت همسران با مطالعه زنان، غافل شدن از امور منزل و بی‌توجهی به آنها در هنگام مطالعه بیان شده است. بنابراین، ضمن آنکه زنان متأهل به یک برنامه‌ریزی منظم برای مطالعه نیاز دارند تا از امور منزل و توجه به همسر و فرزندان غافل نشوند، همسران آنها نیز به آموزش درباره اهمیت مطالعه زنان و تأثیر آن بر خانواده، نیازمندند.

۷. دسترسی به منابع اطلاعاتی: بررسی عوامل بازدارنده و مشوق مؤثر بر میزان مطالعه جامعه مورد پژوهش، نشان می‌دهد نداشتن دسترسی به منابع، از جمله عوامل

بازدارنده مطالعه کردن محسوب می‌گردد. یافته‌ها، حاکی از آن است که مراجعه به کتابفروشی‌ها و خرید کتاب، عمده‌ترین روش دسترسی به منابع در میان جامعه مورد پژوهش می‌باشد و در این میان، زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار برای تأمین منابع اطلاعاتی مورد نیاز خود به کتابفروشی‌ها می‌روند و این امر می‌تواند به دلیل استقلال مالی آنان باشد. دومین روش رایج برای دسترسی به منابع، تأمین منابع مورد نیاز از طریق اقوام و دوستان ذکر شده است که از این نظر، تفاوت معنادار میان زنان شاغل و خانه‌دار وجود ندارد.

مراجعه به نمایشگاه کتاب نیز یکی دیگر از روشهای تهیه منابع اطلاعاتی مورد نیاز جامعه پژوهش است. ۲۴/۷٪ از زنان مورد بررسی، همیشه یا اغلب اوقات از این طریق منابع مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند و باز زنان شاغل به دلیل استقلال مالی، بیش از زنان خانه‌دار برای تهیه منابع اطلاعاتی مورد نیاز خود به این گونه نمایشگاه‌ها مراجعه می‌کنند.

کتابخانه‌های سطح شهر، کمترین نقش را در تأمین منابع اطلاعاتی درخواستی زنان مورد پژوهش ایفا می‌کنند و این، نشان‌دهنده جایگاه ضعیف کتابخانه‌ها بخصوص کتابخانه‌های عمومی سطح شهر در نزد جامعه پژوهش است. نتایج نشان می‌دهد زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار از کتابخانه‌های سطح شهر استفاده می‌کنند، به طوری که ۲۸/۵٪ از زنان شاغل و ۲۲/۴٪ از زنان خانه‌دار، همیشه یا اغلب اوقات منابع اطلاعاتی مورد نیاز خود را از کتابخانه‌های سطح شهر به دست می‌آورند. لذا کتابخانه‌های عمومی، باید به گونه‌ای متحول گردند که با روشهای نوین اطلاع‌رسانی، در خدمت عموم شهروندان بویژه زنان جامعه باشند. «حسینی و همکاران» (۱۳۸۵) نیز کمبود وقت را عمده‌ترین مانع بهره‌گیری پاسخگویان از کتابخانه‌های سطح شهر مطرح کرده‌اند. ۵۳٪ پاسخگویان، در حد زیاد و خیلی زیاد با کمبود وقت مواجه هستند و مقایسه دو گروه، نشان داده است که زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار با این مسئله مواجهند.

عامل دیگری که مانع روی آوردن زنان مورد پژوهش به کتابخانه‌ها می‌گردد، مسافت زیاد قید شده است. ۵۱/۴٪ زنان در حد زیاد و خیلی زیاد، به دلیل مسافت، از

مراجعه به کتابخانه‌های سطح شهر برای تأمین منابع اطلاعاتی مورد نیاز خود امتناع می‌ورزند.

تأسیس کتابخانه‌های تلفنی در سطح گسترده و ارائه خدمات تلفنی در کتابخانه‌های عمومی، به گونه‌ای که منابع اطلاعاتی مورد نیاز کاربران را در منزل یا محل کار تحویل دهد و هزینه آن را دریافت کند، به عنوان راهکاری مناسب جهت جبران کمبود وقت افراد و مسافت زیاد کتابخانه‌ها از محل کار یا منزل، پیشنهاد می‌گردد. البته، نباید فراموش کرد که چه بسا این کار هزینه‌ای بیش از قیمت کتاب دارد و گاهی مقرون به صرفه نیست.

۲۱/۷٪ پاسخگویان به کمبود منابع مناسب برای مطالعه در کتابخانه‌ها، ۲۱/۴٪ به قوانین و مقررات امانت گرفتن منابع در کتابخانه‌ها، ۱۵/۸٪ به رفتار کتابداران، ۱۵/۲٪ به ناآشنایی با خدمات کتابخانه‌ها و ۱۰/۶٪ از افراد مورد بررسی، به روش استفاده از منابع در کتابخانه‌ها، در حد زیاد و خیلی زیاد، به عنوان موانع مراجعه به کتابخانه‌ها اشاره کرده‌اند و در این مورد، بین زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنادار وجود ندارد.

هر چند به موانع اخیر در سطح وسیع اشاره نشده است، اما نکاتی قابل توجه است که می‌توان با آموزش صحیح و اطلاع‌رسانی دقیق کتابداران دلسوز، آنها را مرتفع ساخت.

۸. دسترسی به رایانه و مهارت استفاده از آن: از دیگر عوامل بیرونی مؤثر بر

میزان مطالعه، دسترسی به رایانه و مهارت استفاده از آن است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ۷۸/۸٪ افراد مورد پژوهش به رایانه دسترسی دارند و ۲۱/۲٪ اصلاً به رایانه دسترسی ندارند. مقایسه دو گروه نشان می‌دهد دسترسی زنان شاغل به رایانه، بیش از زنان خانه‌دار است. همچنین ۶۸/۰۴٪ زنان شاغل و خانه‌دار مورد بررسی به شبکه اینترنت دسترسی داشته و ۳۱/۹۶٪ به این شبکه دسترسی ندارند. مقایسه دو گروه حاکی از آن است که دسترسی زنان شاغل به شبکه اینترنت، از زنان خانه‌دار بیشتر است.

۳۴/۶٪ پاسخگویان در بهره‌گیری از رایانه، در سطح عالی و خیلی خوب می‌باشند. در حالی که ۲۰/۸٪ اصلاً در این زمینه مهارتی ندارند و مهارت ۱۶/۳٪ نیز در حد ضعیف

است. از مقایسه دو گروه، این نتیجه حاصل شد که زنان شاغل در استفاده از رایانه در مقایسه با زنان خانه‌دار، مهارت بیشتری دارند.

میزان مهارت پاسخگویان در استفاده از اینترنت، از مهارت بهره‌گیری از رایانه کمتر است؛ به طوری که ۲۵/۴٪ آنها در حد عالی و خیلی زیاد در استفاده از اینترنت مهارت دارند، در حالی که ۳۰/۴٪ در این زمینه هیچ‌گونه مهارتی ندارند و ۲۰٪ هم مهارت کمی دارند. مقایسه دو گروه، حاکی از آن است که مهارت زنان شاغل در استفاده از شبکه اینترنت، از زنان خانه‌دار بیشتر است.

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، درصد پایینی از زنان در استفاده از رایانه و اینترنت مهارت دارند. لذا با توجه به مطالب یاد شده، آموزش زنان به منظور ایجاد و افزایش مهارت استفاده از رایانه و شبکه اینترنت، امری ضروری است که باید در برنامه‌های ترویج فرهنگ مطالعه، مورد توجه قرار گیرد. این موارد از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی در کانونهای فرهنگی و مساجد، امکان‌پذیر می‌باشد.

۹. آشنایی با زبان انگلیسی: از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، باید به این اشاره

کرد که ۲۵/۷٪ پاسخگویان در حد عالی و خیلی زیاد با زبان انگلیسی آشنایی دارند و ۲۴/۳٪ هیچ‌گونه مهارتی در این زمینه ندارند و ۱۸/۶٪ مهارت کمی دارند. مقایسه دو گروه نشان می‌دهد زنان خانه‌دار در استفاده از زبان انگلیسی مهارت کمتری دارند. بر اساس این یافته‌ها، میزان تسلط به زبان انگلیسی در میان جامعه پژوهش پایین است. آموزش زبان انگلیسی به زنان که یکی از ابزارهای ضروری در بهره‌گیری از رایانه و اینترنت محسوب می‌گردد می‌تواند بر درجه بهره‌وری از رایانه بیفزاید.

۱۰. سایر عوامل: نکته آخر اینکه، در بررسی نگرش پاسخگویان نسبت به روشهای

ایجاد و افزایش انگیزه مطالعه در زنان، به مواردی از قبیل انجام کارهای فرهنگی و تبلیغات به منظور بازگفت اهمیت و فواید مطالعه، معرفی کتاب از طریق رسانه‌های عمومی، کاهش قیمت کتاب، افزایش کتابخانه‌های محلی، آموزش برنامه‌ریزی به منظور کاهش زمان کار در منزل، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌های مناسب، به منظور آگاهی‌رسانی به زنان جامعه،

برگزاری مسابقات کتابخوانی برای زنان، ایجاد عادت به مطالعه از کودکی، افزایش تعداد کتابفروشیها، افزایش منابع اطلاعاتی صوتی، عرضه کردن بن کتاب ویژه بانوان، ایجاد وبگاه‌های اینترنتی مناسب جهت اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی زنان و دسترسی وسیع تر به شبکه اینترنت، اشاره شده است.

نتیجه گیری

عوامل بسیاری، در افزایش عادت مطالعه تأثیرگذار است. اما باتوجه به اهمیت مطالعه و دریافت اطلاعات، آنچه بیش از همه عوامل در این زمینه ضرورت دارد، برنامه‌ریزی دقیق و عملی است. هرچند اهمیت ایجاد تسهیلات را در افزایش انگیزه مطالعه نمی‌توان انکار کرد، اما بدون برنامه‌ریزی صحیح مطالعاتی نیز نمی‌توان انتظار داشت وضعیت مطالعه در جامعه بهبود یابد.

چنانچه برنامه‌ریزی مطالعاتی برای گروه‌های مختلف جامعه شامل زنان، مردان، کودکان و نوجوانان، به تفکیک و باتوجه به خصوصیات هر گروه صورت گیرد، تأثیر بیشتری خواهد داشت. به یاد داشته باشیم، پدران و مادران بهترین الگوی تربیتی برای فرزندان می‌باشند.

پیشنهادها

در این قسمت، باتوجه به نتایج حاصل از پژوهش و با استفاده از نظرهای پاسخ‌دهندگان و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای، به منظور افزایش انگیزه مطالعه، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

۱. ایجاد «مؤسسه ترغیب به خواندن و مطالعه» در زیرمجموعه سازمانها و نهادهایی که به ارائه خدمات علمی- فرهنگی می‌پردازند. این مؤسسه، می‌تواند از دانشجویان کتابداری به عنوان نیروی انسانی بهره بگیرد، ضمن اینکه برای دانشجویان کتابداری هم دوره کارآموزی در نظر گرفته شود.

۲. اختصاص ۳۰ تا ۶۰ دقیقه زمان مطالعه در محل کار به زنان شاغل به منظور کسب آگاهی و دانش، در برنامه‌ریزی مدیران سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی.
۳. تأمین منابع مورد نیاز زنان شاغل برای مطالعه، از طریق کتابخانه‌های محل کار یا امانت بین کتابخانه‌ها.
۴. اهدای بن کتاب به زنان شاغل، به مناسبت‌های ویژه از جمله روز بزرگداشت مقام زن.
۵. تشکیل گروه‌های مطالعه، متشکل از زنان شاغل در محل کارشان و نیز زنان خانه‌دار ساکن در یک محل، به منظور مطالعه درباره موضوعی مشخص در مدت زمانی معین و سپس بحث و تبادل نظر در خصوص آن موضوع پس از موعد مقرر.
۶. در زمینه ایجاد فرهنگ مطالعه در جامعه، کتابداران بیش از همه می‌توانند به ایفای نقش بپردازند تا احساس نیاز به وجود آنان نیز در جامعه ایجاد گردد. در این میان، دانشجویان کتابداری از جمله فعالان در زمینه ایجاد فرهنگ مطلوب مطالعه محسوب می‌گردند. چنانچه در طرح درس دوره کارشناسی، از واحدهای دوره کارآموزی، ۲ واحد به عنوان «ترغیب خواندن و مطالعه در جامعه» در نظر گرفته شود، از نیروی این دانشجویان می‌توان جهت آموزش و برنامه‌ریزی مطالعه در میان اقشار مختلف جامعه از جمله زنان استفاده کرد.
۷. ایجاد کتابخانه‌های تلفنی، به گونه‌ای که منابع اطلاعاتی مورد نیاز، پس از تماس تلفنی در محل کار یا منزل تحویل گردد تا از این طریق، مشکل رفت و آمد به کتابخانه‌ها و دوری راه، تا حدودی رفع شود.
۸. عضویت مادران در کتابخانه‌های مدارس فرزندان؛ به گونه‌ای که اولیای مدرسه، از آنان بخواهند موضوعهای خاصی را مطالعه و در جلسات بحث و تبادل نظر در زمینه آن موضوع خاص شرکت کنند.
۹. برگزاری همایشهای مربوط به «مطالعه و خواندن» در مدارس.

۱۰. برگزاری دوره‌های آموزش مربوط به «مطالعه و خواندن» در کانون‌های فرهنگی مساجد که عبارتند از: برنامه‌ریزی برای مطالعه، آموزش روشهای صحیح مطالعه، آموزش استفاده از کتابخانه، آموزش استفاده از رایانه و اینترنت و نظایر آن. در این زمینه نیز می‌توان از دانشجویان کتابداری جهت برگزاری دوره‌های آموزشی دعوت کرد یا برای آنان دوره کارآموزی در نظر گرفت.

۱۱. ایجاد کتابخانه در مهدهای کودک؛ به طوری که ساعتهایی که مادران برای دیدن یا تحویل گرفتن فرزند خود به مهد کودک مراجعه می‌کنند، بتوانند از این کتابخانه‌ها استفاده کنند.

۱۲. کتابخانه‌هایی در باشگاه‌های ورزشی ایجاد گردد تا افرادی که به منظور فعالیتهای ورزشی به این گونه مکانها می‌روند، بتوانند در وقت آزاد خود به مطالعه بپردازند.

۱۳. تجهیز کتابخانه‌های مساجد. در زمینه ایجاد فرهنگ مطالعه، می‌توان با برنامه‌ریزی و نظارت دقیق، از کتابخانه‌های مساجد و کانونهای فرهنگی واقع در مسجدهای محل به بهترین نحو استفاده کرد، بویژه در ماه‌های خاص سال مانند رمضان، محرم و... همان‌گونه که ذکر شد، در این زمینه می‌توان از نیروی دانشجویان کتابداری هم بهره جست.

۱۴. پخش برنامه‌های آموزش خواندن و روشهای مطالعه، برنامه‌ریزی مطالعه و برنامه‌های تبلیغاتی جهت ترغیب خواندن و مطالعه در رسانه‌های همگانی بویژه صدا و سیما که بیشترین مخاطب را به خود اختصاص می‌دهند. البته این برنامه‌ها، باید در طول سال پیگیری و محدود به مقطعی از سال و ماه نگردد.

۱۵. به زنان توصیه می‌شود که همیشه نوعی از مواد خواندنی را همراه خود و یا در اطراف خود داشته باشند تا در وقت‌های آزاد خود به مطالعه آن بپردازند. همچنین، عنوانها یا موضوعهایی را که می‌خوانند، یادداشت کنند، زیرا فهرستبرداری از مواد خوانده شده، شوق تداوم مطالعه را در فرد برمی‌انگیزد. خلاصه‌نویسی و یادداشت‌برداری از مطالب

خوانده شده نیز، کمک می‌کند تا ضمن به یاد سپردن مطالب، میل به خواندن تقویت گردد.

منابع

- امانی، غفور (۱۳۷۹). «رابطه مطالعه دوران کودکی - نوجوانی با مطالعه دوران بزرگسالی». فصلنامه کتابداری، دفتر سی و چهارم: ۲۱-۱۵.
- بحرانی، محمود (۱۳۷۹). «چگونگی فعالیت کتابخوانی مردم شیراز از لحاظ مدت زمان مطالعه آزاد، عوامل بازدارنده و عوامل همبسته با آن». گزارش طرح مصوب شورای پژوهش‌های دانشگاه شیراز.
- حری، عباس (۱۳۸۵). «راه‌های ارتقای میزان مطالعه». اطلاع‌رسانی نظام‌ها و فرآیندها. تهران: کتابدار.
- حسینی، معصومه ... [و دیگران] (۱۳۸۵). «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب شهر اراک در سال ۱۳۸۴». ویژه‌نامه ره‌آورد دانش، ۹ (تابستان، ۱۳۸۵): ۲۱۰-۱۷۵.
- <http://www.sid.ir/fa/viewpaper.asp?ID=5445> (دسترسی در ۱۳۸۷/۸/۱۰).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. جلد ۱۳. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحمانی، بتول (۱۳۸۴). فرهنگ ایجاد انگیزه مطالعاتی. فرهنگ آموزش دوره ۱: ۵، ۶، ۴۷.
- کرمی، باباجان (۱۳۷۹). بررسی میزان و پاره‌ای از مشکلات مربوط به آن در میان فرزندان (دختر و پسر) شاهد در مقطع تحصیلی متوسطه در مدارس شاهد شیراز و دانشجویان شاهد شیراز در دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

- مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.
http://www.Sci.org.ir (دسترسی در ۱۳۸۷/۱۰/۱۵).

- Caesar, Ann Hallamore (2002). "Abort town: the City and the female reader , 1860- 1900". *Modern Italy* , 7 (2), 129- 141.
http://www.ingentaconnect.com (accessed June 27, 2008).

- Chen, Su- yen (2007). "Extracurricular reading habits of college Students in Taiwan: Findings from two national Surveys". *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, 50(8), 642-653.
<http://www.ira.org> (accessed December 11, 2008).